

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۱/۵/۱۶

فصلنامه رسالت مدیریت دولتی

سال دوم/ شماره چهارم/ زمستان ۱۳۹۰

## تبیین الگوی پاسخگویی و نظارت بر نظام اداری در حکومت علوی از منظر رابطه بوروکراسی و دموکراسی

محمد ذاکری<sup>۱</sup> - اسماعیل اسدی<sup>۲</sup> - هادی لطفی<sup>۳</sup>

### چکیده

پاسخگویی دستگاه بوروکراسی و نحوه کنترل و نظارت نظام سیاسی بر آن همواره یکی از مسائل مهم و چالش برانگیز مدیریت دولتی بوده است. در این راستا در پژوهش حاضر الگوی پاسخگویی و نظارت بر بوروکراسی در حکومت امام علی (ع) در چارچوب رابطه بوروکراسی و دموکراسی مورد بررسی قرار گرفته است. بدین ترتیب متغیرهای اصلی مورد بررسی شامل نظام پاسخگویی، کنترل و نظارت در حکومت علوی می‌باشد. برای انجام این مهم از روش تحقیق کیفی (تحلیل محتوا) بهره گرفته شده بدین معنی که پس از مطالعه ادبیات موضوع و استخراج چارچوب نظری، محتوای کتاب شریف نهج البلاغه که شامل خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی (ع) خصوصاً در زمان زمامداری ایشان است مورد مذاقه و تحلیل قرار گرفته است. ضمن آنکه بررسی تطبیقی بین زمینه‌ها و روش‌های نظری و عملی پاسخگویی و نظارت علوی با نمونه‌های معاصر غربی نیز به اختصار صورت گرفت. نتایج این بررسی نشان داد که امام در دوران زعامت خود از نظامی جامع و چندوجهی برای توسعه پاسخگویی و نظارت بر دستگاه بوروکراسی استفاده کرده‌اند که ابعاد اصلی آن کنترل سیاسی، خودکنترلی بر مبنای ارزش‌های بوروکراتیک و نظارت همگانی بوده است.

**واژگان کلیدی:** امام علی (ع)، پاسخگویی، کنترل و نظارت، بوروکراسی، دموکراسی، کنترل سیاسی، ارزش‌های بوروکراتیک، نظارت همگانی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران (مسئول مکاتبات)

mohamad4276@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

esmaeil.asadi@gmail.com

<sup>۳</sup> دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه مدیریت اجرایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

scholar\_lotfi@yahoo.com

## مقدمه

نخست: حفظ حکومت و مملکت از تجاوز خارجی یا خشونت بین‌المللی؛ دوم: حمایت از افراد در برابر بی‌عدالتی یا سرکوب از سوی اعضای دیگر جامعه؛ سوم: ایجاد و حفظ آثار خاص و نهادهای عمومی که هیچ فرد یا گروهی تمایل به ایجاد و حفظ آنها ندارند. به گمان هولزندورف اندیشه گر آلمانی، دولت سه هدف دارد؛ نخست: توسعه قدرت ملی؛ دوم: حفظ آزادی فرد؛ سوم: پیشبرد ترقی اجتماعی و رفاه عمومی. گارنر ضمن رتبه‌بندی اهداف و آرمان‌های حکومت بر این باور است که هدف اصلی و اولیه و بلا واسطه دولت، حفظ صلح و نظم و امنیت و عدالت در میان افرادی است که آن را به وجود می‌آورند؛ هدف دوم - که فراتر از خواست‌های فردی است - توجه به تأمین رفاه عمومی در راستای پیشرفت و ترقی ملی است، اما هدف نهایی و آرمان عالی دولت، اعتلای تمدن بشری است (عالم، ۱۳۷۳). به عقیده ویلسون (۱۹۳۶)، از مؤلفه‌های جدید برای دولت، این اهداف را می‌توان بر شمرد: ۱- ترضیه اراده‌ها و پاسخگویی به خواسته‌ها؛ ۲- کسب ترقی اخلاقی؛ ۳- تحقق بیشترین سعادت برای بیشترین افراد؛ ۴- رشد شخصیت فرد؛ ۵- حفظ حقوق؛ ۶- متوازن کردن و نیز حمایت از منافع. به عقیده پنوک هدف‌های اصلی «دولت نو» در مفهوم عام عبارت‌اند از: تأمین امنیت؛ عدالت؛ آزادی و رفاه. این هدف‌ها و آرمان‌ها توجیه‌کننده موجودیت دولت و نیز فراهم آورنده زمینه‌های تکلیف سیاسی‌اند (همان)؛ اما در دیدگاه اسلامی وظیفه اصلی حکومت ایجاد زمینه‌ای برای تغییر جامعه به سمت جامعه ایده آل است. در نتیجه هدف غایی انسان‌ها کسب خصائصی است که خداوند دوستدار آنهاست تا رسالت خداوند را تحقق بخشند.

در این میان سیاست و اداره از مهم‌ترین اجزاء سیستم‌های حکومتی است که تحقق کار ویژه‌های حکومت بدون آنها امکان‌پذیر نمی‌گردد و در تمامی عرصه‌های جامعه از جمله عرصه سیاسی، اقتصادی و

با آغاز هزاره دوم، نیاز به حوزه گسترده‌ای از جستجو برای بدیل‌های عملی در مدیریت سازمان‌های دولتی در کشورهای در حال توسعه حائز اهمیت است. بیشتر کشورهای در حال توسعه از عملکرد سوء سازمان‌های دولتی خود که باید اسباب و وسیله عمده برای توسعه و پیشرفت باشند، رنج می‌برند. شاید مدیریت دولتی اسلامی رویکردی نوین در مطالعات و بررسی‌های آینده مدیریت دولتی رو به تکامل فراهم آورد. این رویکرد جدید از میزان سازگاری و هم‌نوایی قابل ملاحظه‌ای با فرهنگ اسلامی برخوردار است و می‌تواند به‌عنوان بدیلی پایا و ماندگار در مدیریت کشورهای اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

در پارادایم اسلامی، خداوند حاکم مطلق است و او خالق، حافظ و مدیرکل جهان است؛ بنابراین هر چیزی متعلق به اوست و کردار و اندیشه هر انسانی باید در جهت رضای او باشد. به طور کلی پارادایم اسلامی بر آن است تا به‌منظور ایجاد تغییرات پایا و ماندگار در بافت جامعه، سازمان‌های اجتماعی قوی ایجاد کند و پیام تغییر و تحول اجتماعی بر محور ارزش‌های الهی را از آن طریق ابلاغ نماید. این تغییر اجتماعی می‌تواند از طریق تأسیس نهادهای دولتی عملی شود؛ بنابراین نقش مدیریت دولتی در ایجاد سازمان‌های اجتماعی جدید با تأکید بر تغییرات اجتماعی بسیار حساس و حائز اهمیت است. سازمان‌های دولتی باید ارزش‌های اسلامی را به روشی صحیح متبلور ساخته و کردار و عمل کارکنان دولت باید در جهت و منطبق با ارزش‌های والایی باشد که از جانب خداوند به بشر ابلاغ شده است (کلانتری، ۱۳۷۸). همچنین متفکران سیاسی از منظرهای مختلفی به آرمان‌ها و اهداف دولت نگریسته‌اند. به عقیده ارسطو، هدف راستین حکومت تحقق زندگی خوب است. جان لاک معتقد بود هدف حکومت «خیر عمومی» یا «خیر نوع بشر» است. آدام اسمیت بر این نظر بود که دولت سه هدف بزرگ دارد؛

فرهنگی حضور دارند. این که در عصر پویایی، پیچیدگی و تنوع روزافزون سیستم‌های اجتماعی، چگونه می‌توان به چنین سطح تعاملی در درون دولت‌ها نائل آمد موضوع مهمی برای پژوهش در قلمرو دولت و حکومت است (ترکه<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶) از دیرباز رابطه «کارگزاران اداری» و «رهبران سیاسی» و «مردم» در شمار مسائل مهم و جذاب مورد بحث در مدیریت دولتی بوده است (وارا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱) و مطالعات انجام شده در این حوزه بیشتر ناظر به رابطه بوروکراسی و دموکراسی به‌عنوان شکل خاصی از رابطه سیاست و اداره و مهم‌ترین جنبه آن یعنی رابطه منتخبین سیاسی و منتصبین اداری بوده است (میر و اوتول<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶). باید در نظر داشت که حوزه سیاست مجموعه‌ای از ساختارها و فراگردهای مرتبط است که منابع جامعه را با اقتدار به بخش‌های گوناگون تخصیص می‌دهد و باز داده آن به‌صورت خط مشی سیاسی اعلام می‌گردد (کرفت و فرلن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴). این حوزه را به‌دشواری می‌توان از حوزه اداره متمایز ساخت. بوروکراسی نقش مهمی در تحقق اهداف سازمان‌های دولتی دارد تا حدی که نورتن لانگ تاکید می‌کند «بوروکراسی همواره منبع اصلی ما برای آغاز تدوین خط مشی است» (دنهارت<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰). فردریک کلیولند معتقد است تفاوت بین اتوکراسی و دموکراسی در سازمان‌های اداری نهفته نیست بلکه در وجود یا فقدان یک بدنه و مجموعه پاسخگو یا کنترل‌کننده دقیق خارج از اداره است که دارای قدرت تعیین اراده عموم و اعمال آن اراده بر اداره است. از طرف دیگر، برخی بحث می‌کردند که یک دولت دموکراتیک نباید صرفاً روی اصول دموکراتیک استوار باشد، بلکه باید به‌صورت دموکراتیک نیز اداره شود و فلسفه دموکراتیک، دستگاه اداری‌اش را تحت تأثیر قرار دهد (دنهارت، ۲۰۰۳).

بدین ترتیب این پژوهش به دنبال واکاوی الگوی نظارت و کنترل بر بوروکراسی و پاسخگویی آن در دوران حکومت امام علی (ع) از منظر رابطه

بوروکراسی و دموکراسی است، لذا مسئله تحقیق بدین صورت مطرح می‌گردد که «الگوی نظارت و کنترل بوروکراسی در حکومت حق مدار و عدالت پرور امام علی (ع) چگونه است و حاکم (منتخب سیاسی)، کارگزاران دولتی (منتصبین اداری) و مردم در این الگو چه جایگاه و نقشی دارند؟»

پیش از ورود به الگوی حکومتی امام علی (ع) لازم است که مفاهیمی همچون کنترل، نظارت و پاسخگویی تعریف شده و شیوه‌های نظارت و پاسخگویی به همراه پیش نیازها و مبانی نظری و فلسفی آنها در چارچوب رابطه دموکراسی و بوروکراسی (که چارچوب نظری این پژوهش را شکل می‌دهد) مورد بررسی و تشریح قرار گیرد.

**پاسخگویی، کنترل و نظارت:** مفهوم پاسخگویی در همه جوامع در سازمان‌های بخش دولتی، خصوصی و غیرانتفاعی مطرح است و دارای سطح انتزاع بالایی بوده و ارائه تعریف مشترک و مورد توافق همه در مورد آن دشوار است (پولیت و هوپ<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱). آن چه که همه صاحب‌نظران در مورد آن اتفاق نظر دارند پیچیدگی، ابهام و وابستگی پاسخگویی به بستر و زمینه سازمانی مورد بررسی می‌باشد (ابراهیم و ویسیانند<sup>۷</sup>، ۲۰۰۷). هرچند پاسخگویی در جوامع امروزی به‌صورت‌های متفاوتی مورد تاکید قرار می‌گیرد، در مفهومی عام به فرایندهایی گفته می‌شود که شهروندان، حاکمان را برای رفتار و عملکردشان مسئول می‌کنند. پاسخگویی سه هدف عمده دارد: نخست آنکه ابزاری است جهت نظارت بر قدرت و پیشگیری از سوء استفاده از اختیارات عمومی، دوم تضمینی است بر کاربرد صحیح منابع ملی، تبعیت از قانون و صیانت از ارزش‌های خدمات عمومی و سوم ابزار موثری برای ارتقا و بهبود زمامداری و مدیریت خدمات عمومی است (فقیهی، ۱۳۸۰). برخی از محققان معتقدند برای شناسایی و فهم ماهیت اصلی پاسخگویی و درک کارکردهای آن در زمینه و بسترهای مختلف و ارائه

یک چارچوب مفهومی شفاف بایستی ذی‌نفعان گوناگون پاسخگویی را شناخت (برگستینر و آوری<sup>۸</sup>، ۲۰۰۸؛ دوبنیک<sup>۹</sup>، ۲۰۰۵؛ هانبرگر<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۹) در حالی که برخی محققان دیگر پاسخگویی را پدیده‌ای اجتماعی می‌دانند که توسط ذی‌نفعان در یک سیستم شکل می‌گیرد (ابراهیم، ۲۰۰۵). با توجه به این تعریف از پاسخگویی، کنترل و نظارت در مدیریت دولتی نیز ابزاری در راستای توسعه پاسخگویی و در راستای نیل به اهداف سه گانه فوق تلقی می‌گردد. کنترل عبارت است از مقایسه آنچه انجام شده (عملکرد) با آنچه باید انجام گیرد (استانداردها) به منظور شناخت نقاط ضعف و قوت برنامه؛ به عبارت دیگر نظارت و کنترل، معرف اقدامات و فعالیت‌های سازمان است که تا چه اندازه برای رسیدن به اهداف پیش رفته‌اند و این که آیا مطابق با موازین پیش بینی شده است یا خیر؟ با نظارت و کنترل می‌توان تغییرات یا اصلاحاتی در هدف‌ها، برنامه‌ها و خط مشی‌ها صورت داد. نظارت و کنترل وسیله و روش مناسبی برای حصول اطمینان از تحقق هدف‌هاست (نیکومرام و دیگران، ۱۳۸۶).

اولین شیوه از نظارت بر دستگاه اداری نظارت و کنترل سیاسی است. در آثار بسیاری از متفکران سیاسی این نکته به وضوح دیده می‌شود که اداره و اجرا را باید تابع نظارت نهادهای سیاسی قرار داد. نظارت نهادهای سیاسی بر سازمان‌های اجرایی بر دو حرکت مبتنی بوده است: یکی ظهور نظام‌های مردم‌سالار نماینده در جوامع غربی که در قرون هجدهم و نوزدهم میلادی به صورت تأسیس مجالس قانونگذاری و ظهور احزاب سیاسی تجلی یافت. دوم ضرورت و نیاز به استقرار خدمات دولتی به گونه‌ای مستمر، حرفه‌ای و حمایت شده بود (موشر<sup>۱۱</sup>، ۱۹۷۸). امروزه پاسخگویی از جنبه نظارتی در همه نظام‌های سیاسی نقشی محوری دارد و سیاستمداران خواستار آن‌اند که بخش اجرایی دولت از قدرت نامحدود و تهدید کننده‌ای که داراست سوء استفاده نکند. رمزک<sup>۱۲</sup> چهار گونه

پاسخگویی سازمانی، قانونی، حرفه‌ای و سیاسی را در مدیریت دولتی بر شمرده است. پاسخگویی سازمانی: به نظارت‌های درون سازمانی گفته می‌شود. در این نوع پاسخگویی که مبتنی بر روابط فرادست و فرو دست می‌باشد، مدیران بر عملکرد کارکنانی که اغلب اختیار اندکی دارند نظارت می‌کنند. نظارت‌های مستقیم و بازبینی‌های ادواری عملکرد، مصادیق روشنی از پاسخگویی سازمانی است. همچنین تدوین مقررات، بخش نامه‌های سازمانی و دیگر ساز و کارهای نظارتی که اختیارات کارکنان را محدود می‌کند در زمره این نوع پاسخگویی قرار می‌گیرد پاسخگویی قانونی: در برگیرنده نظارت‌های بیرونی بر عملکرد است که هدف آن انطباق عملکرد با الزامات قانونی و قوانین اساسی است. اساس پاسخگویی قانونی بر روابط اصیل وکیل نهاده شده است. این پاسخگویی اغلب از راه رسیدگی‌های ویژه مانند نظارت‌های تقنینی، ممیزی‌های مالی و برنامه‌ای و بازرسی‌های بیرونی برای رسیدگی به شکایات استخدامی صورت می‌گیرد. پاسخگویی حرفه‌ای: جنبه درونی دارد و در این نوع پاسخگویی منبع استاندارد عملکرد قضاوت شخصی فرد کارمند است. استقلال افراد برای تصمیم‌گیری‌ها در این نوع پاسخگویی کم و بیش حفظ می‌شود و عملکرد آنها با هنجارهای حرفه‌ای، اعتقادات و تجارب مکتسبه آنان مورد قضاوت قرار می‌گیرد. پاسخگویی سیاسی: در این نوع پاسخگویی مدیران به خواسته‌های مقامات سیاسی یعنی منتخبان مردم، همچنین گروه‌های ذینفع و سایر نهادهای سیاسی پاسخگو هستند؛ به عبارت دیگر پاسخگویی سیاسی نظارت صاحبان و مالکان اصلی سازمان‌ها بر عملکرد مدیران است در هر یک از انواع چهارگانه پاسخگویی، ارزش‌ها و انتظارات رفتار ذی‌ویژه‌ای مورد تأکید است (فقیهی، ۱۳۸۰).

یکی از مهم‌ترین اسباب و پیش‌نیازهای کارآمدی کنترل سیاسی، مشروعیت نظام حاکم است. چنانکه بدون برخورداری از مشروعیت اصولاً پاسخگویی

کنترل رفتار بوروکراسی باشد. این رفتارها و کنترل‌ها از دید ناظران سیاسی نیز دور نمی‌ماند و خود نوعی پاسخگویی به افکار عمومی است. بدین ترتیب ارزش‌های بوروکراتیک دومین شیوه اصلی پاسخگویی و کنترل دستگاه بوروکراسی است (میر و اووتول، ۲۰۰۶).

**پاسخگویی و خلق ارزش عمومی:** در اصطلاح جامعه‌شناسی ارزش اجتماعی عبارت از چیزی است که مورد پذیرش همگان است. ارزش اجتماعی مشتمل بر واقعیت‌ها و اموری است که دارای مطلوبیت مورد خواست بیشتر افراد جامعه باشد (علی احمدی و علی احمدی، ۱۳۸۳). وان میس (۱۹۴۹) به‌عنوان یک جامعه‌شناس، ارزش را نحوه برخورد انسان با محیط زندگی خویش می‌داند و جیمز میلر (۱۹۶۹) از دیگر محققان جامعه‌شناسی، ارزش را یک امر متعلق به درون بشر می‌شمارد ولی آن را به طرز تفکر و ادراک فرد تصمیم‌گیرنده متعلق می‌داند. ارزش‌ها عمیق‌تر از آن هستند که قابل مشاهده مستقیم باشند. بهترین چیزی که می‌توان گفت آن است که ارزش‌ها به خودی خود تولید نشده و هیچگاه به‌صورت یکسان نیز دیده نمی‌شوند. (اعتصامی و فاضلی کبریا، ۱۳۸۸). رینی<sup>۱۴</sup> (۲۰۱۰) ارزش‌های عمومی را از ویژگی‌های متمایزکننده بخش دولتی از بخش خصوصی دانسته و رعایت آنها را به‌عنوان ساختارهای روان‌شناختی و اجتماعی که مستقل از فرایندهای تولید وجود دارند دارای اهمیت و کاربردهای ویژه برای جامعه تلقی نموده است. از دید او این ارزش‌ها بیشتر بر جنبه نهادی و اجتماعی عملکرد دولت و فلسفه وجودی آن تاکید دارد. کرناگان<sup>۱۵</sup> (۲۰۰۳) معتقد است کارگزاران دولتی و دانشگاهیان درباره معانی مفهوم ارزش‌ها و مفاهیم مرتبط اخلاق و اصول دچار اختلاف هستند. از دید او ارزش‌ها به‌عنوان اعتقادات دائمی تعریف می‌شود که می‌تواند انتخاب میان ابزارها و اهداف را تحت تأثیر قرار دهد. اگرچه اصطلاح ارزش‌ها و

دستگاه سیاسی به مردم و ذینفعان بی‌معنی بوده و بوروکراسی نیز خود را ملزم به پاسخگویی سیاسی و مدنی نمی‌داند. مشروعیت در فلسفه سیاسی معادل روایی، قانونی بودن و رسمیت داشتن است. البته با مختصر تحلیلی می‌توان دریافت که مشروعیت به معنی حق حاکمیت بوده و مراد از حقانیت همان اهلیت، صلاحیت و قابلیت است. در فلسفه سیاسی لیبرال، مردم تنها منشأ واگذاری نهاد قدرت به حاکم و مبنای مشروعیت او و واگذاری حاکمیت به وی هستند. چنانکه روسو (۱۳۶۸) در نظریه قرارداد اجتماعی، مبنای مشروعیت را اراده عمومی می‌داند؛ اما چنانکه گفته شد در پارادایم اسلامی، حق حاکمیت و اداره امور جهان هستی منحصرأ متعلق به خداوند متعال است و هیچ انسانی بالاصاله حق حاکمیت ندارد، مگر آنکه این حق از جانب خدا به وی تفویض شده و از جانب خدا برگزیده شده باشد که سبب این برگزیدگی هم همان خصلت‌ها و صفات والا در حاکم است که این شایستگی را بدو می‌بخشد تا از جانب خدا، چه به نص و چه به تعیین و چه با بیان صفات و ویژگی‌ها انتخاب شود (نوایی و سید موسوی، ۱۳۹۰).

اما نکته مهم در این میان آن است که فرایندهای سیاسی، بوروکراسی را نه تنها تحت نظارت سیاست بلکه عنصری منفعل در چالش‌های فرارو توصیف کرده‌اند و فشارهای بی‌مورد از ناحیه سیاستمداران به نحوی که خارج از محدوده پذیرش بوروکرات‌ها می‌باشد عامل عدم موفقیت کنترل‌های سیاسی است. سیمون<sup>۱۳</sup> (۱۹۴۷) رابطه سیاستمداران و بوروکرات‌ها را رفت و برگشتی توصیف کرده و معتقد است محدودیت‌های گوناگونی که بر فرایند کنترل سیاسی ناخواسته اعمال می‌شود (همچون تخصص سیاسی و حرفه‌ای بوروکرات‌ها، ماندگاری آنها در نظام اداری، محدودیت‌های زمانی سیاستمداران و ابزارهای نامناسب کنترل سیاسی) موجب می‌گردد که کنترل درونی و ارزش‌های حرفه‌ای مهم‌ترین و اولین عامل

ترس از اجبار و زور و ملاحظه مطالبات مطرح شده (دنهارت، ۲۰۰۳). کرناگان (۲۰۰۳) نیز در پژوهش خود ارزش‌ها را به چهار دسته تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از ارزش‌های اخلاقی (انصاف و راستی)، ارزش‌های دموکراتیک (حکومت قانون و تعهد)، ارزش‌های تخصصی (کارایی و ابتکار) و ارزش‌های فردی (مراقبت و دلسوزی). وی در پژوهش خود که بیانیه‌های ارزشی چهار کشور استرالیا، کانادا، انگلستان و نیوزیلند را مورد بررسی قرار داده بود دریافت ارائه خدمات دولتی منصفانه، بی‌طرف، اثربخش و مؤدبانه در استرالیا، یکپارچگی، صداقت، بی‌طرفی سیاسی، تخصص، تبعیت از قانون، احترام به نهادهای تخصصی، تبعیت از قانون، احترام به نهادهای دموکراسی و توصیه آزادانه و بی‌پرده در نیوزیلند و انگلستان؛ وفاداری، تعهد، صداقت، یکپارچگی، انصاف، تعالی، برابری کیفیت و کارایی در انگلستان مهم‌ترین ارزش‌های رایج بخش دولتی به شمار می‌روند. استفان کوی<sup>۲۱</sup> نیز در کتاب خود عنوان می‌کند که اصول، قوانین کلی هستند که به روابط انسانی و سازمان‌های انسانی مرتبط بوده در حالی که درونی و ذهنی می‌باشند و از عدالت، انصاف، برابری، درستی، امانت و اعتماد به‌عنوان اصولی یاد می‌کند که به طور گسترده از سوی دانشمندان دیگر به‌عنوان ارزش توصیف می‌شود. اینگراهام<sup>۲۲</sup> (۱۹۹۵) نیز در پژوهش خود ضمن مقایسه ارزش‌های رایج در بخش دولتی و خصوصی دریافت پاسخگویی مهم‌ترین ارزش در بخش دولتی است و پس از آن تصمیم‌گیری، قانون‌مداری، نداشتن فساد اخلاقی، تخصص، قابلیت اعتماد، اثربخشی و بی‌طرفی در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

در مدیریت اسلامی، مقامات دولتی باید ارزش‌های مشابه ارزش‌های جامعه را به‌عنوان یک کل اشاعه دهند؛ بنابراین مفهوم ارزش‌های متعارض در اسلام جایگاهی ندارد؛ مثلاً کارایی و نفع شخصی نسبت به مسئولیت اجتماعی و اخلاقی در رتبه دوم اهمیت قرار دارد. به عبارت دیگر هر متصدی امور دولتی علاوه بر

اخلاق، اغلب به‌عنوان مترادف استفاده می‌شود اما دارای معنای مشابهی نیستند چنانکه تمامی ارزش‌ها، ارزش‌های اخلاقی نیستند. هافستر نیز در همین راستا از منظر روانشناسی، ارزش‌ها را به دو دسته ارزش‌های موجود و مطلوب تقسیم کرده و ارزش‌های موجود را موضوع علم جامعه‌شناسی و ارزش‌های مطلوب را موضوع علم اخلاق می‌داند (امیرشاهی، ۱۹۹۷). رمزک در گونه شناسی پاسخگویی در مدیریت دولتی، پاسخگویی حرفه‌ای را مبتنی بر ارزش‌ها و قضاوت شخصی کارمند دانسته است. بوزمن<sup>۱۶</sup> نیز ارزش عمومی را دارای سه کارکرد اصلی می‌داند: حقایق، منافع و امتیازاتی را برای شهروندان ایجاد کند (نکند)؛ وظایف شهروندان و دولت را در جامعه و نسبت به یکدیگر معین کند و اصول آن توسط دولت و خط مشی عمومی تعیین شود. بدین ترتیب تعیین ارزش‌ها و آموزش و نهادینه‌سازی آنها در توسعه پاسخگویی بوروکراتیک نقش برجسته‌ای دارد و لذا پژوهش‌های قابل توجهی در زمینه شناسایی و اولویت‌بندی ارزش‌های بوروکراتیک به عمل آمده و صاحب‌نظران مدیریت تلاش کرده‌اند تا بر پایه مباحث مختلف نظری و فلسفی ارزش‌های مطلوب در نظام اداری را تعیین کنند. برخی از اندیشمندان همچون ویلابی<sup>۱۷</sup> (۱۹۲۷)، وایت<sup>۱۸</sup> (۱۹۳۶) و گیلولیک<sup>۱۹</sup> (۱۹۳۷) کارایی را مهم‌ترین ارزش در مدیریت دولتی دانسته‌اند حال آنکه برخی دیگر آن را تنها یکی از معیارهای ارزیابی دانسته‌اند. رابرت دال در بحث خود با سایمون مدعی است که مدیریت دولتی در یک جامعه دموکراتیک باید با ارزش‌هایی نظیر پاسخگویی، دلسوزی و خیرخواهی نسبت به مردم ارزیابی شود. ردفورد<sup>۲۰</sup> نیز معتقد است دموکراسی بر مفاهیم فردیت، برابری و مشارکت تأکید داشته و مشارکت عبارت است از دسترسی به اطلاعات، دسترسی مستقیم و غیرمستقیم به حوزه‌های تصمیم‌گیری، توانایی ارائه هر موضوعی برای بحث در منظر عموم، توانایی بیان خواسته‌ها و مطالبات بدون

حال به دنبال تربیت شهروندانی مستقل و انتقادی نیز هست. دیوئی از حامیان این نظریه است که طبق آن شهروند در یک نظام دموکراسی باید از سطح آگاهی بالایی درباره سیاست و طرز کار آن برخوردار بوده و بتواند به نقد سیاسی بپردازد، به بنیان و اساس حکومت دموکراتیک و نه لزوماً صاحبان موقعیت‌ها و مقام‌های سیاسی وفادار بوده و نقش فعالی در مسائل جامعه ایفا کند (ارم و لیبیت، ۱۳۷۶).

اما اسلام دارای هدف و افق دید بسیار وسیع‌تری چون آماده ساختن و تربیت کردن انسان صالح برای قرب الهی است و بی‌تردید این غایت محدود به مکان، زمان، اجتماع و گروه و دسته خاصی نیست. تفاوت نظریه تربیتی اسلام با نظریه‌های غربی در همین غایت تربیت است و به این دلیل برای تدوین مبانی، اصول و روش‌های تربیت در نظام اسلامی این نظریه‌ها کاربرد چندانی ندارند (رهنما و دیگران، ۱۳۸۷). نگرش تربیت سیاسی و اجتماعی اسلامی در کنار اصول مهم امر به معروف و نهی از منکر سومین شیوه و الگوی پاسخگویی و نظارت بر نظام بوروکراسی را شکل می‌دهد و آن الگوی نظارت همگانی است. نظارت همگانی در ایران یکی از گونه‌های نوین نظارت، خصوصاً در سازمان‌های ارائه دهنده خدمات عمومی است که بر مبنای اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در راستای تحقق اصل مترقی امر به معروف و نهی از منکر شکل گرفته است. ریشه‌های ایجاد این‌گونه نظارت را می‌توان در نظریه‌های سیاسی (مردم‌سالاری، مردم‌سالاری دینی و...)، نظریه‌های اجتماعی (مانند نظریه کنش پارسونز)، نظریه‌های سازمان و مدیریت (تغییر و توسعه سازمان، مدیریت مشارکتی، مدیریت راهبردی و...) و نظریه‌های روان‌شناسی فردی و اجتماعی یافت. (محمودی، ۱۳۸۶) نظارت همگانی تلاشی است مستمر، درازمدت و کل‌نگر در گستره سیستم که در بستری تعاملی با محیط به گردآوری، تشخیص و ارائه بازخورد

مسئولیت رهبری اداره، مسئولیت اجرای قوانین اسلامی در فعالیت‌های روزانه را نیز بر عهده دارد. پارادایم اسلامی می‌تواند در قالب چندین ارزش متعالی تعیین شود که بر روش زندگی، اندیشه و عمل افراد حاکمیت دارد و عبارت‌اند از: برابری و عدالت اجتماعی، عدل، رافت و شفقت، درستکاری و اعتقاد واقعی، خودکنترلی، احترام به مالکیت شخصی و رشد شخصی از طریق آموختن مداوم یا یادگیری سازمانی (کلانتری، ۱۳۷۸). پژوهشگر دیگری ارزش و قداست کار، اتقان در کار، نظم و انضباط کاری، انجام کامل کار، صرفه‌جویی در مصرف منابع و امکانات، عدالت و دوری از ظلم و تبعیض و کسب حلال را مهم‌ترین ارزش‌ها در راستای ترویج خود کنترلی در نظام اداری دانسته است (قدسی، ۱۳۹۰). به نظر می‌رسد در دیدگاه اسلامی در کنار عوامل اجتماعی و آداب و سنن متغیر، اصولی به نام اصول ارزشی وجود دارد که منشأ فطری و وجدانی دارد و لذا می‌توان گفت نظام ارزشی اسلام خدامحور و برگرفته از روح پیام‌های قرآنی و رهنمودهای اولیای دین در رسیدن به کمال انسانی و قرب خداوند است (علی احمدی و علی احمدی، ۱۳۸۳).

اما تعیین، ترویج و نهادینه‌سازی ارزش‌های اجتماعی و اداری در سازمان‌های دولتی و نهاد بوروکراسی نیازمند اقدامات زمینه‌سازانه‌ای است که مهم‌ترین آنها آموزش و تربیت کارگزاران دولتی است. در ادبیات علوم سیاسی نظام تعلیم و تربیت با رویکرد تربیت سیاسی دارای دستاوردها و کارکردهای گوناگونی است که تربیت کارگزاران اداری لایق و شایسته به‌منظور ایجاد یگانگی سیاسی در جامعه، زمینه‌سازی برای تشکیل نهادها و موسسات سیاسی و اداری و نیز اعمال قدرت و کنترل اجتماعی و فکری جامعه از اهداف آن است. در نظریه دموکراتیک در تربیت سیاسی، آموزش و پرورش جامعه، علاوه بر آنکه نوعی جهت‌گیری محافظه‌کارانه دارد، در عین

شهروندانی فعال، مسئول و آگاه به حقوق شهروندی و قائل به اصول امر به معروف و نهی از منکر و زمینه‌سازی در نظام اداری برای پذیرش انتقادات و پیشنهادها و بررسی شکایات و نیز سازوکارهای اجرایی و فناوری لازم برای تحقق نظارت همگانی است تا ضمن جلوگیری از ناکارآمدی نظام اداری زمینه‌ای برای انحطاط جامعه و حاکمیت شریان و ناهلان پدید نیاید.

بیگدلی و پورعزت (۱۳۸۸) در پژوهش خود پس از بررسی ابعاد مفهومی خرده سیستم‌های حکومت در نهج البلاغه، پنج قضیه را در ارتباط با سیستم نظارتی در حکومت حق مدار علوی استخراج کرده و به روش دلفی به تأیید خبرگان منتخب رساندند. این قضایا به ساختار حقوقی عدل محور، قدرت و مشروعیت عمل دستگاه نظارت، دقت و به روز بودن در عین هزینه کم، قدرت کافی برای برخورد با متخلفان، هوشمندی در شناسایی جریان‌های اصلی حکومت و رسیدگی به شکایات عنوان کرده‌اند. قدسی (۱۳۹۰) در پژوهش خود به بررسی شیوه‌های نظارت و کنترل در مدیریت آموزشی از دیدگاه امام علی (ع)، تعیین چگونگی به‌کارگیری این دیدگاه در نظارت و کنترل سازمان‌های آموزشی و مقایسه نظرات مدیران و معلمان در مورد به‌کارگیری این شیوه‌ها در مدیریت آموزشی پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد از دید معلمان و مدیران شیوه‌های کنترل مستقیم، غیرمستقیم، نظارت همگانی و خودکنترلی قابلیت بالایی برای به‌کارگیری در مدیریت آموزشی داشته و شیوه کنترل مخفی فاقد این قابلیت است و در این خصوص بین دیدگاه‌های معلمان و مدیران تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. رهنما (۱۳۸۲) در مقاله خود معتقد است که ایمان به خدا، مبارزه با نفس، عدالت ورزی و فقر ستیزی، امانت‌داری در مدیریت، سعه صدر و الگو بودن رهبر و مدیر جامعه اسلامی از خطوط کلی تربیت سیاسی و اخلاقی مدیران از دیدگاه امام علی (ع) است. نتایج

می‌پردازد. این تلاش به‌منظور توسعه قابلیت و شایستگی سازمان در زمینه مشکل‌گشایی و افزایش توانایی آن برای سازگاری با شرایط و اقتضائات محیط خود، توسعه راه‌حل‌های سازمانی جدید و خلاقانه و توسعه ظرفیت خود نوسازی سازمان در راستای تأمین و تضمین سلامت و اثربخشی سازمانی آن صورت می‌گیرد. (ترک زاده، ۱۳۸۶)

آشنایی با اصول مترقی امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان آبخور نظری الگوی نظارت همگانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چنانکه بدون شناخت این اصول و روش‌ها و کارکردهای آن و صرفاً با تکیه بر اندیشه‌های متبعث از دموکراسی غربی نمی‌توان الگوی نظارت همگانی را در جامعه اسلامی به خوبی پیاده‌سازی کرد. اهمیت این اصول در اسلام تا آنجاست که خداوند در قرآن کریم آنها را از ضروریات ایمان و رستگاری امت (آل عمران، ۱۱۰) و ترک آنها را نشانه بدکرداری و تباهی انسان (مائده، ۶۳ و ۷۹) می‌داند. اساساً امر به معروف و نهی از منکر به معنای داشتن حساسیت قوی به حضور منکرات و عدم حضور معروف‌هاست. مسلمان متعهد یا کسی که زندگی اجتماعی فعال دارد همواره در پی تحقق هنجارهای دینی و آرمان‌های آن در جامعه است. این حساسیت گسترده گاه به‌صورت پند و اندرز، گاه در قالب اقدام عملی و ارائه جلوه درستی از معروف و گاه نیز جهاد و دفاع از آرمان‌ها و حفظ جامعه دینی است. امر به معروف و نهی از منکر برای بقا و سلامت جامعه حکم سلسله اعصاب را دارد و به مسئولین و تصمیم‌گیران نشان می‌دهد که در کجا چه نقص و کمبودی مشاهده می‌شود. حال اگر این کارکرد از امر به معروف گرفته شود عملاً مسئولان جامعه از شناخت وضعیت واقعی اجتماع محروم شده و درهای اطلاعات به روی آنها بسته می‌شود (اسلامی، ۱۳۸۰).

بنابراین چنانکه پیش‌تر گفته شد پیش‌نیاز اجرا و پیاده‌سازی الگوی نظارت همگانی در جامعه تربیت



حلم، گشاده‌رویی، پرهیز از دنیاطلبی و مقابله با اکوپاتی را مهم‌ترین اصول مبنایی شکل‌دهنده سرمایه اجتماعی شناسایی کرده‌اند.

به‌منظور پاسخگویی به سؤال اصلی تحقیق و تبیین الگوی پاسخگویی در حکومت علوی از مدل پاسخگویی رمزک (۲۰۰۰) به‌عنوان چارچوب نظری استفاده گردید. مزیت این مدل به سایر مدل‌ها، ارتباط انواع پاسخگویی با منابع نظارت داخلی و خارجی می‌باشد. شکل ۱ چارچوب نظری تحقیق را نشان می‌دهد.

#### روش تحقیق

روش پژوهش حاضر توصیفی تحلیلی و از نوع تحلیل محتوای کیفی است و در آن همه خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های مندرج در نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین (ع) (ترجمه استاد محمد دشتی) مورد بررسی قرار گرفته است. تحلیل محتوا روشی است که برای استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها از متن مورد استفاده قرار می‌گیرد. این فن در جستجوی دریافت جنبه‌های ادراکی و احساسی پیام‌ها و یا ادراکات ضمنی قابل استخراج از بیانات است (دانایی فر و همکاران، ۱۳۸۶).

پژوهش رهنما و دیگران (۱۳۸۷) نیز بیانگر آن است که تربیت سیاسی از منظر امام علی (ع) دارای نه مبناست که عبارت‌اند از: عبودیت و بندگی خداوند، متعال، اعتدال، مدنیت، تأثیر محیط، اندیشه ورزی، کرامت آزادی و اختیار، ضعف و جاذبه احسان، پورعزت و الوانی (۱۳۸۳) در پژوهش خود ضمن بررسی ابعاد خط مشی گذاری دولتی برای تحقق عدالت حق مدار پنج اصل را برشمرده‌اند که یکی از آنها حساسیت اعضای جامعه به حق طلبی و عدل پذیری است و بر آن به‌عنوان یکی از عوامل بسیار مهم در استقرار و برپایی حکومت عدل تأکید زیادی شده است. پژوهش همایی و دیانی دردشتی (۱۳۸۵) به آسیب‌شناسی حکومت از منظر قرآن و حدیث پرداخته و مهم‌ترین این آسیب‌ها را در بعد مدیریت سیاسی جامعه، قدرت‌طلبی، استبداد و خودکامگی، مدهانه و سازش‌کاری، دروغ‌گویی و فریب‌کاری، ایجاد اختناق، عدم رعایت انصاف و بی‌اعتنایی به حقوق مردم، جنگ‌طلبی و ستیزه‌جویی و عدم رعایت شایسته‌سالاری می‌دانند. اعتصامی و فاضلی کبریا (۱۳۸۸) در بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از نگاه امام علی (ع)، اصل تقوای الهی، اصل عدالت و انصاف، اصل پرهیز از غرور و خودپسندی، تواضع و

#### منبع نظارت



منبع: (Romzek, 2000)

شکل ۱: ابعاد پاسخگویی با تأکید بر میزان استقلال و منبع نظارت

امکان‌پذیر است. لذا پیش از ورود به شیوه‌های کنترل سیاسی در حکومت امام علی (ع) مقدمتاً به مبانی مشروعیت حکومت آن حضرت در نظام مردم‌سالاری دینی پرداخته می‌شود.

در اندیشه سیاسی شیعه، از آغاز در خاستگاه حاکمان پس از پیامبر نوعی دوگانگی پدید آمد که از واقعیت‌های تاریخی ناشی می‌شد. شیعه خلفای حاکم را که تنها به آرای اکثریت امت اسلامی متکی بودند دارای مشروعیت الهی نمی‌دانست و معتقد بود خلیفه مشروع پس از پیامبر از خلافت محروم است. لذا این اندیشه تقویت شد که تا وقتی حکومت‌کنندگان بر اساس ضوابط و چارچوب‌های شرعی و دینی‌گزینه‌شوند، هیچ حکومتی مشروعیت ندارد (مهاجرنیا، ۱۳۸۰). بر این اساس می‌توان مشروعیت حکومت امام علی (ع) را از سه منبع و منشأ دانست: منشأ الهی، صلاحیت شخص حاکم و منشأ مردمی که از این بین منشأ الهی و منشأ شخصی با یکدیگر رابطه پیوستگی و علی دارند. بدین معنی که تا فردی دارای ویژگی‌های مطلوب و جامع‌الاطراف حکومت بر جامعه اسلامی نباشد خداوند او را برای این مسئولیت برنمی‌گزیند. به بیان دیگر حکومت در اندیشه امام علی پیمان سه جانبه‌ای است بین خدا، حاکم و مردم که بدون وجود هر یک از آنها (عدم دارا بودن ویژگی‌های مورد نظر) مشروعیت حکومت با بحران جدی مواجه می‌گردد. یکی از مباحث عمده در نهج‌البلاغه اشاره مؤکد به منشأ الهی حکومت و حق انحصاری خداوند بر حاکمیت است؛ از این‌رو هیچ انسانی بالاصاله حق حاکمیت ندارد مگر آنکه از جانب خدا حاکمیت به او واگذار شده باشد. در خطبه شقشقیه امام علی (ع) حاکمیت را حق خویش می‌داند که از جانب خدا به ایشان تفویض شده و صراحتاً می‌فرماید: «حق موروثی خود را دیدم که به غارت رفته است.» حق موروثی در اینجا کنایه از وراثت معنوی و الهی است. از دیگر سو مطابق اعتقادات شیعه خداوند در چند مورد چه به

برای انجام این تحقیق که با استراتژی کیفی انجام شده است از فرم واری و بدون پیش‌سازمان‌یافتگی استفاده شده و جملات و عبارات منتخب به انضمام متن فارسی و آدرس در حوزه‌های سه‌گانه منبعث از چارچوب نظری به‌عنوان روش یا پیش‌نیاز درج گردید.

### تحلیل داده‌های تحقیق

داده‌ای مورد نیاز تحقیق با بررسی محتوای غطبه‌ها، حکمت‌ها و نامه‌های حضرت علی (ع) در کتاب شریف نهج‌البلاغه گردآوری گردید که نتایج تحلیل محتوای انجام شده در ادامه می‌آید؛ امیرالمؤمنین امام علی (ع) در دوران کوتاه زمامداری خود اسوه و نمونه کاملی از پیاده‌سازی پارادایم اسلامی را به نمایش گذاشت و این امر در تمام شئون حکومتی آن حضرت خصوصاً در حوزه نظارت و کنترل دستگاه اداری به وضوح مشهود است. نظارت حضرت بر دستگاه بوروکراسی الگویی چندوجهی و جامع دارد که در این بخش بر اساس چارچوب نظری مطرح‌شده در مباحث پیشین خصوصاً نظریه‌های مربوط به رابطه دموکراسی و بوروکراسی و مدل سه وجهی کنترل سیاسی، ارزش‌های بوروکراتیک و نظارت همگانی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) کنترل سیاسی: طبق نظریه اصیل - وکیل در مدیریت دولتی، سیاستمداران در قالب نهادهای سیاسی نماینده مردم و به‌عنوان وکیل آنها موظف به پیگیری و استیفای حقوق و مطالبات آنها و تأمین منافع عمومی از مسیر پیگیری و نظارت بر حسن اجرای خط مشی‌ها توسط دستگاه بوروکراسی هستند و رابطه پاسخگویی در این‌گونه از منتصبین اداری به منتخبین سیاسی و از ایشان به مردم است؛ بنابراین برای بحث در این چارچوب نظری لازم است شرط لازم آن یعنی وکالت سیاستمداران از سوی مردم بررسی شده و این امر از طریق بررسی مشروعیت سیاسی حکومت

نص و چه تعیین (واقعه غدیرخیم) امام را شایسته حاکمیت بر جامعه اسلامی پس از پیامبر (ص) دانسته و این حق را به وی تفویض کرده است. از دیدگاه حضرت، حکومت تنها حق کسانی است که از ویژگی‌ها و شایستگی‌های به دست آوردن آن برخوردار بوده و لذا کسی که شایسته زمامداری نیست نمی‌تواند و نباید عهده دار حکومت شود ولو آنکه مردم نیز او را بپذیرند. روی دیگر سکه نیز آن است که پذیرفتن حکومت در صورت فراهم بودن لوازم و زمینه‌های آن برای کسی که شایستگی آن را دارد تکلیف و وظیفه‌ای سنگین است که البته شرط آن پذیرش عمومی از جانب مردم می‌باشد و این نقطه افتراق اندیشه اسلامی و اندیشه لیبرال است. از جمله در خطبه معروف شقشقیه در بیان فضائل خود می‌فرماید: «... جایگاه من نسبت به حکومت اسلامی، چون محور آسیاب است به آسیاب، که دور آن حرکت می‌کند. او (خلیفه اول) می‌دانست که سیل علوم از دامن کوهسار من جاری است و مرغان دورپرداز اندیشه‌ها، به بلندای ارزش من نتوانند پرواز کرد» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳)؛ و در جای دیگر می‌فرماید: «ای مردم! سزاوارترین اشخاص به خلافت آن کسی است که در تحقق حکومت نیرومندتر و در آگاهی از فرمان خدا داناتر باشد، تا اگر آشوب‌گری به فتنه‌انگیزی برخیزد، به حق بازگردانده شود و اگر سرباز زد با او مبارزه شود» (همان، خطبه ۱۷۳).

اما منشأ الهی و فردی مشروعیت هردو شرط لازم برپایی حکومت دینی است و بدون وجود مقبولیت یا مشروعیت مردمی فاقد وجاهت و کفایت لازم است. به همین جهت است که حضرت با آنکه پس از رحلت پیامبر از مشروعیت الهی و فردی برخوردار بوده‌اند اما به جهت عدم اقبال و روی‌آوری مردم و تحقق اراده مردمی، حضرت بیست و پنج سال خلافت را به دیگران واگذار نمودند. منشأ مردمی حکومت یعنی صلاحیت مردم در جعل حاکمیت برای حاکم و هیئت

حاکمه یا انتقال حاکمیت از مشروعیت ذاتی به مقوله کارآمدی؛ به عبارتی مردم هم حاکمیت را جعل و هم آن را کارآمد می‌کنند. امام روی آوردن مردم و اتمام حجت را چنین توصیف می‌کنند: «مردم، همانند شتران تشنه‌ای که به آب نزدیک شده و ساربان رهانشان کرده و عقال (پای بند) از آنها گرفته بر من هجوم آوردند و به یکدیگر پهلو می‌زدند، فشار می‌آوردند، چنان که گمان کردم مرا خواهند کشت، یا بعضی به وسیله بعضی دیگر می‌میرند و پایمال می‌گردند» (همان، خطبه ۵۴) و در جای دیگر می‌فرماید «روز بیعت، فراوانی مردم چون یال‌های پشت کفتار بود. از هر طرف مرا احاطه کردند تا آن که نزدیک بود حسن و حسین (ع) لگدمال گردند و ردای من از دو طرف پاره شد. مردم چون گله‌های انبوه گوسفند مرا در میان گرفتند. . . . اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود و یاران حجت را بر من تمام نمی‌کردند و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که در برابر شکم بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته رهایش می‌ساختم» (همان، خطبه ۳) از این رفتار امام چنین استفاده می‌شود که کارآمدی نظام اسلامی حتی در صورت قرار گرفتن معصوم در رأس آن حکومت و نظام، تنها با مشروعیت الهی تحقق نمی‌یابد و محتاج مقبولیت مردمی نیز هست. حتی امام در مواردی به بیعت مردم با خویش به‌عنوان مبنای استدلال و برهان در مقابل مخالفان استناد کرده‌اند و در اولین نامه‌ای که به معاویه نوشته، آمده است: مردمی که با ابوبکر و عثمان بیعت کردند، به همان شکل نیز با من بیعت کرده‌اند. (نهج‌البلاغه، نامه ۶) یعنی اگر دلیل مشروعیت خلافت آنها رأی مردم بوده است در مورد حکومت من هم چنین مبنایی وجود دارد و مخالفت با آن مخالفت با رأی مردم است (هزاوه ای، ۱۳۷۹).

پس از حصول اطمینان از تحقق مشروعیت همه‌جانبه حکومت امام علی (ع)، شیوه‌های کنترل

سیاسی آن حضرت بر دستگاه بوروکراسی ذیل عناوین زیر صورت می‌پذیرد:

(۱) نظام ارزیابی عملکرد: بخش مهمی از الگوی نظارت و کنترل امام علی بر کارکنان بوروکراسی در قالب ارزیابی عملکرد ایشان و در چارچوب یک نظام مدیریت منابع انسانی دولتی جامع صورت می‌پذیرد. امام اصول و راهبردهای اساسی حکومت را در احکام صادره برای کارگزاران ترسیم کرده و مرتباً از خود ایشان گزارش عملکرد مطالبه می‌کند. بر مبنای این گزارش‌ها و نیز گزارش‌هایی که از سایر مجاری نظارت و بازرسی به دست امام می‌رسد اقدامات تنبیهی و تشویقی گوناگون و شیوه‌های اصلاح در امور را برای ایشان تبیین می‌نمایند. از جمله نامه‌های تشویقی به محمد ابن ابی بکر (نامه ۳۴)، عمر ابن ابی سلمه مخزومی و سعدبن مسعود ثقفی (قدسی، ۱۳۹۰) و نامه‌های تنبیهی و عتاب آمیز به ابوموسی اشعری (نامه ۶۳)، زیاد ابن ابیه (نامه ۲۰)، مصقله بن هبیره شیبانی (نامه ۴۳)، منذر بن جارود عبدی (نامه ۷۱) و ابن عباس (نامه ۴۱) قابل ذکر است.

(۱) تعیین بازرسان ویژه: امام علیرغم آنکه در برخی موارد شخصاً نظارت و کنترل امور را بر عهده می‌گرفت در مواردی نیز این وظیفه را به افراد دیگری که مورد اعتماد ایشان بودند واگذار می‌نمود. در نامه‌ای به کعب بن مالک، فرماندار عین التمر مأموریت می‌دهد که به همراه جمعی از یارانش به شهرهای عراق سفر کرده و بر امور کارگزاران نظارت کند و گزارش بازرسی خود را به حضرت اعلام نماید (مهاجرنیا، ۱۳۸۰).

(۲) تعیین بازرسان مخفی و نظام اطلاعاتی در بوروکراسی: امام در کنار بازرسی‌های آشکار، برخی افراد مورد اعتماد، راست‌گو و باوفا را که عیون (چشم‌ها) می‌نامیدند جهت کنترل و نظارت مخفی بر کارگزاران حکومتی مأمور نموده و از آنها گزارش‌هایی پیرامون عملکرد کارگزاران دریافت می‌نمود و نتیجه

برخی از این بازرسی‌ها و گزارش‌ها را به خود کارگزاران بازخورد می‌دادند. از جمله در نامه به یکی از کارگزاران در سال ۴۰ هجری می‌فرمایند: «از تو خبری به من رسیده که اگر چنان کرده باشی، پروردگار خود را به خشم آورده و امام خود را نافرمانی و در امانت خود خیانت کرده ای (نهج‌البلاغه، نامه ۴۰)»؛ و در نامه خود به مالک اشتر او را نیز به اتخاذ این روش توصیه می‌کند: «سپس رفتار کارگزارانت را بررسی کن و جاسوسانی وفایسته و راست‌گو بر آنها بگمار که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از آنها سبب امانت‌داری و مهربانی آنها با رعیت خواهد بود (همان، نامه ۵۳)».

(ب) ارزش‌های بوروکراتیک و خود کنترلی: سیاست امام علی (ع) در راستای توسعه این شیوه نظارت و پاسخگویی را می‌توان در دو حوزه اصلی مورد بررسی قرار داد:

(۱) تبیین ارزش‌های بوروکراتیک: چنانکه پیش‌تر آمد نظام ارزشی در اسلام خدامحور و اخلاقی است و برخلاف نظام‌های ارزشی غربی، ارزش‌های مندرج در آن همگی در یک راستا و آن هم رضای الهی، قرب خداوند و تعالی مکارم اخلاقی است. در حکومت حق مدار و عدالت محور علوی، حق طلبی و عدل‌گستری مهم‌ترین بنیان‌های ارزشی دستگاه‌های سیاست و اداره است و ارزش‌های دیگر عمدتاً در راستای نیل به این دو و در نهایت رضای خداوند متعال شکل می‌گیرد. امام علی (ع) از هر فرصتی برای آموزش، ترویج و نهادینه‌سازی ارزش‌های عمومی در نظام اداری بهره می‌جوید و جای جای خطبه‌ها، حکمت‌ها و خصوصاً نامه‌های حضرت در نهج‌البلاغه مملو از تعیین و تبیین ارزش‌هاست. از جمله در نامه ۵۳ به مالک اشتر ارزش‌هایی همچون مهربانی و دلسوزی، بخشندگی، تواضع و فروتنی، توجه به خشنودی اکثریت، رازداری، مشورت با حکیمان، تجربه و حیا، اصالت خانوادگی، سابقه در مسلمانی، آینده‌نگری، زمان‌بندی مناسب، اهتمام به واجبات الهی، ارتباط رودررو و متواتر با

آنچه می‌کند حاضر و ناظر است و درون دل‌ها بر او آشکار است و بر زوایای درون انسان واقف است. امام علی در آموزش مراقبه می‌فرماید: «خدا رحمت کند کسی را که... مراقب خویش در برابر پروردگار باشد. از گناهان خود بترسد، خالصانه گام بردارد، عمل نیکو انجام دهد، ذخیره‌ای برای آخرت فراهم آورد و از گناه بپرهیزد... (همان، خطبه ۶۷)» و نیز «از نافرمانی خدا در نهان‌ها بپرهیزید، چه آن که بیننده است هم او دآوری کننده است (همان، حکمت ۳۲۴)».

روش محاسبه: محاسبه به معنای رسیدگی به حساب خویش و حساب‌خواهی و حساب‌رسی است؛ یعنی انسان در هر شبانه روز وقتی را معین کند که در آن به حساب نفس خویش برسد و کرده‌ها و ناکرده‌ها و طاعت‌ها و معصیت‌ها را رسیدگی و حساب‌رسی نماید (قدسی، ۱۳۹۰). امام علی (ع) در ضرورت محاسبه می‌فرماید: «بندگان خدا گفتار و کردار خود را بسنجید پیش از آنکه آن را بسنجند و به حساب نفس خویش برسید، پیش از آنکه به حسابتان برسند (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۰)» و در جای دیگر می‌فرماید: «آنکه حساب نفس خود کرد سود برد و آنکه از آن غافل ماند زیان دید (همان، حکمت ۲۰۸)».

روش معاتبه: در این روش پس از محاسبه و در صورت مشاهده کوتاهی و معصیت در شرط و عهد و پیمان، انسان در مقام تادیب نفس خود بر می‌آید و آن را سرزنش و ملامت می‌کند و به نحوی مقتضی تنبیه و تادیب می‌نماید (قدسی، ۱۳۹۰). امام در این باره هشدار داده و می‌فرماید: «هرکه نفس خود را سیاست و تادیب نکند، آن را تباه کرده است.» و «هرکه نفس خود را نکوهش کند، آن را به اصلاح و سامان آورد.» و «هرکه نفس خود را در اصلاح آن معاتبه نماید، نیکبخت شود.» (خوانساری، ۱۳۶۰).

ج) نظارت همگانی: از مهم‌ترین راهکارهای عملی نظارت بر عملکرد حکومت و حاکمان، نظارت خود مردم به‌عنوان صاحبان اصلی حکومت است. امام علی

مردم، قطع رانت و ویژه خواری را به مالک یادآور می‌شود. در نامه ۴۵ به عثمان بن حنیف فرماندار بصره ساده زیستی، حلال‌طلبی، پرهیزکاری، تلاش فراوان، پاک‌دامنی، راستی، بی‌توجهی به دنیا را مورد تاکید قرار داده و در نامه ۴۶ به یکی از فرمانداران مصلحت‌اندیشی در مدارا یا درشتی، توجه به رعیت، گشاده‌رویی، فروتنی، عدالت رویه‌ای؛ در نامه ۶۹ به حارث همدانی، عبرت‌پذیری از تاریخ، تقوای الهی، حفظ آبرو، فرونشانی خشم، شکر نعمت و تهذیب نفس و در نامه ۷۹ به فرماندهان لشکر سلامت مالی را مهم‌ترین ارزش‌های کارگزاران حکومتی می‌داند.

۲) شیوه‌های خودکنترلی: خودکنترلی در مدیران به‌قدری حائز اهمیت است که حضرت در زمان زعامت، همه کارگزاران خصوصاً یاران نزدیک خویش را به آن سفارش می‌نماید. سفارش مالک اشتر (نامه ۵۳) و محمد بن ابی بکر (نامه ۲۷) ناظر به این امر است. امام چهارم مرحله را برای خودکنترلی تعریف کرده است که عبارت‌اند از:

روش مشارطه: مشارطه در لغت به معنای شرط کردن با کسی است. حقیقت مشارطه تجدید عهد با خداست و این که انسان با خود تعهد کند که دیگر عهد الهی را فراموش نکند و در پیمان فطرت خیانت نرزد؛ زیرا همه تباهی‌ها از فراموش کردن و پشت کردن به عهد الهی و پیمان فطرت است (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷). امام علی در لزوم مشارطه می‌فرماید: «پس باید پیوسته به عهد و پیمان ربوبی و میثاق فطری و بیرون نشدن از فرمان الهی عزم نمود و با خود شرط کرد که آن را پاس داشت و در تمام مدت شرط، این امر را مراقبت نمود (نهج‌البلاغه، خطبه ۱)». در حکمت ۱۵۵ و نامه ۵۳ نیز تاکید مشابهی شده است.

روش مراقبه: مراقبه به معنی خود را پاس داشتن و مراقب خود بودن است. توجه به اینکه خدای لطیف و خبیر از درون‌ها آگاه است و پنهانی‌ها را می‌داند و بر اعمال و رفتار بندگان مراقب است و پیوسته بر آدمی و

و خدا آن را از دوستانش ناپسند دارد - کم‌تر یاری ات کند (نهج البلاغه، نامه ۵۳). البته امام به‌عنوان حاکم جامعه اسلامی و سرمشق مردم و مدیران خود در این ظرفیت‌سازی، سعه صدر و نقدپذیری پیش قدم است و می‌فرماید: «پس، از گفتن حق یا مشورت در عدالت خودداری نکنید؛ زیرا خود را برتر از آنکه اشتباه کنم و از آن ایمن باشم نمی‌دانم مگر آنکه خدا مرا حفظ کند. . . با من چنان که با پادشاهان سرکش سخن می‌گویند حرف نزنید و چنان که از آدم‌های خشمگین کناره می‌گیرند دوری نجوید و با من به ظاهر سازی رفتار نکنید (همان، خطبه ۲۱۶).»

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی و تبیین الگوی پاسخگویی و نظارت بر دستگاه بوروکراسی در تعامل با نظام سیاسی دموکراتیک در حکومت امام علی (ع) انجام شده است. برای انجام این پژوهش ابتدا مبانی نظری رابطه بوروکراسی و دموکراسی در نظریه‌های جدید مدیریت دولتی مورد بررسی قرار گرفت و سپس شیوه‌های مختلف پاسخگویی دستگاه بوروکراسی و پیش نیازها و توانمندسازی این شیوه‌ها، هم از منظر نظریه‌های مدیریت دولتی نوین غربی و هم از منظر پارادایم اسلامی مورد مطالعه قرار گرفت. برای شناسایی اندیشه‌ها و الگوهای نظری و عملی حکومت علوی نیز کتاب شریف نهج البلاغه به روش تحلیل محتوای کیفی بررسی شد؛ اما پیش از ورود به بحث لازم است بستر و شرایط زمینه‌ای حکومت امام علی (ع) مختصراً مورد اشاره قرار گیرد. در مطالعه تطبیقی حکومت امام علی (ع) و نگاه ساختاری به آن، توجه به عنصر سیادت ناشی از فتوحات اسلامی بسیار اهمیت دارد و فتوحات نقطه محوری هرگونه تحلیل ساختاری قدرت است. در وضعیتی که حکومت اسلامی به شکل یک امپراتوری بزرگ درآمد بود تکیه بر نژاد عرب و اتکا به چرخه متمرکز قدرت میسر نبود و قدرت

به این حق مردم یعنی نظارت بر کار حکومت تصریح کرده‌اند و به مردمی که با ایشان بیعت کرده بودند می‌فرمود: «آگاه باشید که حق شماست بر من که چیزی را از شما مخفی ندارم مگر در مسائل نظامی و امور جنگ (که قطعاً باید پوشیده بماند) و یا این که کاری را مگر آن جا که حکم شرع در کار باشد، بدون در نظر گرفتن خواست و نظر شما انجام ندهم (نهج البلاغه، نامه ۵۰).» امام علی در موارد متعددی بنا بر نظر و نظارت مردم بر کار حاکمان و والیان، حاکمان متخلف را عزل می‌کرد و این به معنای احترام به نظارت عمومی بر کار دولت است. یکی از اقدامات مهم و عملی آن حضرت برای تحقق نظارت مردم، تشکیل «ولایه المظالم» بود که به‌صورت دادگاهی منحصراً به شکایات مردم از دولت و مأموران دولتی رسیدگی می‌کرد. همچنان که ملاحظه می‌شود، امام علی (ع) هم در مرحله تئوری و نظر، نظارت مردم بر حکومت و حاکمان را یک حق مسلم برای مردم می‌داند و هم ساز و کارهای لازم برای تحقق آن را فراهم می‌آورد. برای مردم به طور عموم و برای آگاهان جامعه به طور خاص نقش ویژه‌ای در مشاوره و نصیحت‌گری به حاکم یا حاکمان قائل است و حتی آن را یک وظیفه، هم برای حاکمان و هم برای مردم و آگاهان تلقی می‌کند. وظیفه آگاهان و مردم است که با بیان حقایق - گرچه تلخ باشند - به اصلاح ساختار حکومتی کمک کنند و از ایجاد انحراف در مسیر حکومت مردم‌سالار دینی و عدالت‌گستر جلوگیری نمایند (هزاوه ای، ۱۳۷۹). تحقق نظارت همگانی علاوه بر آموزش مردم و آگاه نمودن آنها از حقوق شهروندی و تکالیفشان در قبال حاکمیت (که امام از آن به‌عنوان حقوق متقابل حاکم و مردم یاد می‌کند) نیازمند آموزش و ظرفیت‌سازی در دستگاه بوروکراسی و مدیران و کارگزاران دولتی نیز هست. از آن جمله امام در نامه به مالک اشتر می‌فرماید: «آن کس را ترجیح ده که سخن تلخ حق را به تو بیشتر گوید و در آنچه کنی یا گویی -

عملیاتی در الگوهای کنترل، نظارت و پاسخگویی را توجیه می‌کند.

در موضوع تبیین ارزش‌های عمومی و ارزش‌های بوروکراتیک نیز نوعی تفاوت ایدئولوژیک بین ارزش‌های معرفی شده توسط امام علی (ع) به کارگزاران و ارزش‌های ترویج شده در نظام‌های اداری غربی وجود دارد و آن نیز خدامحوری ارزش‌های اسلامی و علوی و انسان محور بودن ارزش‌های غربی است، لذا طبیعی است که برخی ارزش‌ها در هر دو پارادایم مشابه باشند، اما ارزش‌های بوروکراتیک علوی همگی اخلاقی و الهی و در راستای نیل به هدف غایی حکومت اسلامی یعنی رضای خداوند است.

ضمن آنکه تحقق اهداف والای حکومتی امام علی (ع)، بی‌گمان جز با انتخاب افرادی لایق و شایسته به‌عنوان کارگزار و توجه به تربیت سیاسی مستمر آنان و آموزش مردم به‌عنوان بزرگ‌ترین حامیان حکومت امکان‌پذیر نیست. بسیار بدیهی است که سازوکارهای تربیتی آن حضرت برای تربیت شهروندان و کارگزاران با آنچه در نظریه‌ها و مکاتب وابسته به افکار بشری مطرح می‌شود و هدف آن «تربیت شهروند شایسته» است منطبق نباشد، اگرچه گاه بعضی از اهداف، مبانی و اصول روش‌های به‌کار گرفته شده در این مکاتب شبیه همان‌هایی است که در حکومت امام علی (ع) مورد استفاده قرار می‌گرفت (رهنما و دیگران، ۱۳۸۷).

تربیت چنین شهروندانی با ارزش‌های الهی و اهتمام به اصول مترقی و سازنده امر به معروف و نهی از منکر زمینه برپایی نظارت همگانی و آثار مثبت آن نظیر مدیریت دانش شهروندان و خبرگان را فراهم ساخته و این اصول با توجه به عنصر «مردم» در نظام اسلامی در مشی سیاسی امام علی (ع) مشهود است.

بدین ترتیب آنچه از این پژوهش مستفاد می‌شود توجه امام علی (ع) به همه انواع و شیوه‌های توسعه پاسخگویی و نظارت بر دستگاه بوروکراسی است.

متمرکز در دست خلیفه، به ناچار می‌بایست در بدنه حکومت توزیع و مدیریت سیاسی مناطقی چون مصر، مداین، ایران و آذربایجان به والیان و کارگزاران جدیدی سپرده می‌شد. واحدها و مناطق گوناگون ضرورت نصب ده‌ها کارگزار را ایجاد کرده بود که به تناسب موقعیت، گستردگی و اهمیت مناطق و به اعتبار شخصیت حاکمان آنها، بعضی با حکم «والی» و برخی با حکم «عامل» منصوب می‌شدند. تفاوت این دو نوع حکم آن بود که عامل در حوزه مأموریت خود استقلال نداشت اما والی نوعی استقلال داشت. نکته قابل طرح دیگر در ساخت قدرت و حکومت امام علی (ع) این است که قدرت در آن به‌صورت سلسله مراتبی توزیع شده و هر بخش در مقابل بخش بالاتر از خود مسئول بود به نحوی که مسئولان درجه اول حکومت پاسخگوی حوزه اقتدار خود بودند و حضرت نیز آنها را مسئول می‌شناخت و در گزینش مسئولان رده پایین‌تر دخالت نمی‌کرد. او فقط در بخش نامه‌های کلی، شرایط انتخاب عاملان حکومت و قضاوت و بوروکرات‌ها را به والیان و استانداران خود یادآور شده و از آن پس دستگاه خلافت مرکزی در حد نظارت و مراقبت کلی بر امور جاری قلمرو حکومت اشراف داشت (مهاجرنیا، ۱۳۸۰). بدین ترتیب فلسفه وجودی و ضرورت برقراری سیستم پاسخگویی و نظارت بر بخش دولتی را می‌توان در عوامل پیش گفته دانست.

در حوزه سیاسی نظام انتخابات و روش نمایندگی که در تئوری‌های جدید از آن به‌عنوان تئوری اصیل- وکیل یاد می‌شود در زمان حکومت امام علی (ع) به‌صورت بیعت عمومی با اکثریت مطلق با شخص حاکم بوده و چنانکه گفته شده مشروعیت حکومت امام علی (ع) از سه منشأ الهی، فردی و مردمی ناشی می‌شد؛ بنابراین طبیعی است که نظام سیاسی و نوع مردم‌سالاری حاکم بر آن با آنچه که امروزه در نظام‌های لیبرال دموکراسی غربی جریان دارد متفاوت است و همین تفاوت زمینه‌های تفاوت ماهوی و

جدول ۱: الگوی پاسخگویی در حکومت علوی

نظارت همگانی از طریق:	خود کنترلی از طریق:	کنترل سیاسی از طریق:
- تربیت سیاسی شهروندان ارزشی، حق طلب و عدالت جو و مسئول در برابر جامعه	- ترویج ارزش‌های بوروکراتیک از مجرای تبیین و آموزش ارزش‌ها - تلاش در نهادهای سازی ارزش‌ها در نظام اداری و خود کنترلی به چهار روش مشارطه، مراقبه، محاسبه و معاتبه	- بازرسی‌های مستمر - تعیین بازرسان ویژه - تشکیل نظام اطلاعاتی و بازرسی مخفی از دستگاه بوروکراسی - ایجاد نظام جامع ارزیابی عملکرد و مدیریت منابع انسانی دولتی

۲) اسلامی. سید حسن، (۱۳۸۰)، امر به معروف و نهی از منکر، دانشنامه امام علی (ع) زیر نظر علی‌اکبر رشاد، به اهتمام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ص ۲۵۵

۳) اعتصامی. منصور، حامد فاضلی کبریا، (۱۳۸۸)، درآمدی بر الگوی مدیریتی امام علی (ع) از منظر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، اندیشه مدیریت، سال سوم، شماره دوم، ص ۱۰۱-۱۲۸

۴) امیرشاهی. میراحمد (۱۹۹۷)، مطالعه تجربی سیستم‌های مدیریت ارزش و سبک‌های تصمیم‌گیری مدیران ایران، رساله دکتری، دانشگاه کورتین، امریکا

۵) بیگدلی. سکینه، علی اصغر پورعزت، (۱۳۸۸)، طراحی مدل منطقی ابعاد تعامل خرده سیستم‌های سیاسی و اداری در حکومت حق مدار بر مبنای نهج‌البلاغه امام علی (ع)، فصلنامه فرهنگ مدیریت، سال هفتم، شماره نوزدهم، ص ۸۹-۱۱۸

۶) پورعزت. علی‌اصغر، سیدمهدی الوانی، (۱۳۸۲)، مبانی منطقی طراحی سیستم خط مشی گذاری دولتی برای تحقق عدالت حق مدار، دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشور رفتار، دانشگاه شاهد، سال یازدهم، شماره ۵

۷) ترک زاده. جعفر، (۱۳۸۷)، سازوکارهای نظارت همگانی برای مدیریت تغییر و توسعه درون سازمان، مجموعه مقالات همایش نظارت همگانی

چنانکه کنترل سیاسی که ریشه در مشروعیت سیاسی حاکم و حکومت دارد از طریق بازرسی‌های مستمر، تعیین بازرسان ویژه، تشکیل نظام اطلاعاتی و بازرسی مخفی از دستگاه بوروکراسی و نیز ایجاد نظام جامع ارزیابی عملکرد و مدیریت منابع انسانی دولتی تحقق یافته است. ترویج ارزش‌های بوروکراتیک از مجرای تبیین و آموزش ارزش‌ها و تلاش در نهادهای سازی آنها در نظام اداری و خود کنترلی نیز به چهار روش مشارطه، مراقبه، محاسبه و معاتبه عملی شده و زمینه کنترل درونی و پاسخگویی فردی کارگزاران و مدیران دستگاه بوروکراسی را فراهم گردیده و. نهایتاً با تربیت سیاسی شهروندان ارزشی، حق طلب و عدالت جو و مسئول در برابر جامعه و نیز اهتمام جدی و عملیاتی سازی اصول امر به معروف و نهی از منکر زمینه برقراری سیستم نظارت همگانی و «نصیحت الملوک» در جامعه فراهم شده است. در جدول ۱ الگوی پاسخگویی در حکومت علوی که در نتیجه تحلیل محتوای خطبه‌ها، حکمت‌ها و نامه‌های حضرت علی (ع) به دست آمده به صورت شماتیک ارائه می‌گردد.

#### منابع و مأخذ

۱) آرم. آنتونی و مارتن لپسیت، (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه احمد پیشه‌ور، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، چاپ اول، ص ۲۴۷-۲۴۸



- ۱۷) فقیهی. الوالحسن، (۱۳۸۰)، نظام‌های پاسخگویی در بخش دولتی: دیدگاهی تطبیقی، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۲۹ و ۳۰، صفحه - از ۵۳ تا ۷۰
- ۱۸) قدسی. مهدیه، (۱۳۹۰)، منبع کنترل در مدیریت آموزشی با تاکید بر دیدگاه امام علی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول
- ۱۹) کلانتری. بهروز، (۱۳۸۰)، در جستجوی پارادایمی برای مدیریت دولتی: آیا می‌توان از مدیریت دولتی اسلامی چیزی آموخت؟ ترجمه حسن دانایی‌فرد، مجموعه گفتارهایی در فلسفه تئوری‌های سازمان دولتی، به کوشش سیدمهدی الوانی، حسن دانایی‌فرد، تهران، انتشارات صفار، چاپ اول
- ۲۰) محمودی. علیرضا، (۱۳۸۷)، کارکردهای نظارت همگانی، مجموعه مقالات همایش نظارت همگانی شهروندی و توسعه‌سازمانی، انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، چاپ اول
- ۲۱) مهاجرنیا. محسن، ساختار حکومت امام علی (ع)، دانشنامه امام علی (ع) زیر نظر علی‌اکبر رشاد، به اهتمام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ص ۱۰۹-۱۶۵
- ۲۲) نوایی. علی‌اکبر، (۱۳۸۸)، نظریه دولت دینی، قم، دفتر نشر معارف
- ۲۳) نوایی. علی‌اکبر، سید حسین سید موسوی، (۱۳۹۰)، ساختار حکومت در نهج‌البلاغه، فصلنامه مطالعات تفسیری، سال دوم، شماره ۶، ص ۱۷۱-۱۹۴
- ۲۴) نیکومرام. هاشم، اسماعیل کاوسی، جعفر رحمانی، (۱۳۸۶)، اصول مدیریت اسلامی از منظر امام علی (ع)، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، چاپ اول، ص ۸۹-۹۱
- ۲۵) همایی. عباس، اکرم دیانی دردشتی، (۱۳۸۵)، آسیب‌شناسی مدیریت سیاسی حاکمان و زمامداران با تاکید بر سیره حکومت امام علی (ع)، فصلنامه پژوهش دینی، شماره چهاردهم
- شهروندی و توسعه‌سازمانی، انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، چاپ اول،
- ۸) خوانساری. جمال‌الدین محمد (۱۳۶۰)، شرح غررالحکم و دررالکلم، تصحیح و تعلیق میرجلال‌الدین حسینی ارموی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم
- ۹) دانایی‌فرد حسن، الوانی مهدی و آذر عادل (۱۳۸۶) «روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت» چاپ دوم تهران نشر صفار. ص ۲۴۹.
- ۱۰) دلشاد تهرانی. مصطفی، (۱۳۷۷)، دولت آفتاب؛ اندیشه سیاسی و سیره حکومتی علی (ع)، تهران، خانه اندیشه جوان، چاپ اول
- ۱۱) ذوعلم. علی، (۱۳۸۰)، امام علی و سیاست، دانشنامه امام علی (ع) زیر نظر علی‌اکبر رشاد، به اهتمام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ص ۲۵-۲۸
- ۱۲) روسو. ژان ژاک، (۱۳۶۸)، نظریه قرارداد اجتماعی، ترجمه غلامحسین زیرک زاده، تهران، ادیب، چاپ هفتم
- ۱۳) رهنما. اکبر، (۱۳۸۲)، تربیت سیاسی-اخلاقی مدیران از دیدگاه امام علی (ع)، همایش رفتارشناسی علوی در گستره مدیریت، تهران، دانشگاه شاهد
- ۱۴) رهنما. اکبر، مهدی سبحانی نژاد، حمید علیین، (۱۳۸۷)، بررسی تحلیلی مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی از منظر امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، دو فصلنامه دانشور رفتار، دانشگاه شاهد، سال پانزدهم، شماره ۳۰
- ۱۵) عبدالرحمن عالم، (۱۳۷۳)، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، ص ۲۳۹ - ۲۴۱
- ۱۶) علی احمدی. علیرضا و حسین علی احمدی، (۱۳۸۳)، مدیریت ارزشی با تکیه بر ارزش‌های اسلامی، تهران، تولید دانش

- Concise Paperback Edition, Jul 11, 2003 - 640 pages.
- 41) Simon, Herbert A. (1947), *Administration Behavior*, New York: Free Press
- 42) Svava, James H. (2001), "The myth of the dichotomy: complementarity of Politics and administration in the past and future of public administration". *Public Administration Review*. vol. 61 no. 2, pp:176183.
- 43) Türke, Ralf- Eckhard (2006), "Towards productive and sustainable forms of interaction in governance". *Kyberneyes*. vol. 35 no. 1/2: 164181.
- 44) Wilson. F. G., (1936), *The Elements Of Modern Poletics*, New York, Mcgraw Hill, P. 141\_159
- ۲۶) هزاوه ای. سید مرتضی، (۱۳۷۹)، مردم‌سالاری در بینش و منش امام علی (ع)، فصلنامه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، شماره ۱۱، ص ۴۵-۷۹
- 27) Bergsteiner, H., & Avery, G. C. (2008). A generic multiple constituency matrix: Accountability in private prisons. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 19, 631-660.
- 28) Denhardt, Robert B. (2000), "Theories of public organization". Third Edition, Harcourt Brace.
- 29) Dubnick, M. J. (2005). Accountability and the promise of performance: In search of mechanisms. *Public Performance and Management Review*, 28 (3), 376-417.
- 30) Ebrahim, A. (2005). Accountability myopia: Losing sight of organizational learning. *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 34 (1), 56.
- 31) Ebrahim, A., & Weisband, E. (Eds.). (2007). *Global accountabilities: Participation, pluralism, public ethics*. New York, NY: Cambridge University Press.
- 32) Hanberger, A. (2009). Democratic accountability in decentralised governance. *Scandinavian Political Studies*, 32 (1), 1-22.
- 33) Ingraham. Patricia W, (1995), *The Foundation of Merit: Public Service in American Cemocrazy*, *American Political Science Review*, 96 (3), pp553-564
- 34) Kenneth Kernaghan (2003) « Integrating Values in to Public Service: The Values Statement as Centerpiece" *Public administration Review*, November/December, vol63, No. 6.
- 35) Kraft, Michael, Scott R. Furlong (2004), "Public policy", CQ press.
- 36) Meier. Kenneth J, Laurence J. O'Toole Jr, (2006), *Political Control versus Bureaucratic Values: Reframing the Dabtes*, *Public Adminidtration Review*. March-April
- 37) Mosher. F. C, (1978), *Democracy and the Public Service*, New York: Oxford University Press.
- 38) Pollitt, C., & Hupe, P. (2011). Talking About Government The role of magic concepts. *Public Management Review*, 13 (5), 641-658.
- 39) Rainey. Hal G. (2010), *UNDERSTANDING AND MANAGING PUBLIC ORGANIZATIONS*, Fourth Edition, Published by Jossey-Bass A Wiley Imprint 989 Market Street, San Francisco, CA 94103-1741
- 40) Robert B. Denhart, Davil L Baker (2003) "Five Great Issues in organization Theory " *Handbook of Public Administration:*

یادداشت‌ها

- <sup>1</sup> Turke  
<sup>2</sup> Svava  
<sup>3</sup> Meyer & O'Toole  
<sup>4</sup> Kraft & Furlong  
<sup>5</sup> Denhardt  
<sup>6</sup> Pollitt and Hupe  
<sup>7</sup> Ebrahim & Weisband  
<sup>8</sup> Bergsteiner & Avery  
<sup>9</sup> Dubnick  
<sup>10</sup> Hanberger  
<sup>11</sup> Mosher  
<sup>12</sup> Romzak  
<sup>13</sup> Simon  
<sup>14</sup> Rainey  
<sup>15</sup> Kernaghan  
<sup>16</sup> Bussman  
<sup>17</sup> Willoughby  
<sup>18</sup> White  
<sup>19</sup> Gulick  
<sup>20</sup> Redfurd  
<sup>21</sup> Kuyy  
<sup>22</sup> Inghraham